

مژده ترابی*
محمد رضا سوداگر**

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۱
تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۱

اهمیت هویت بخشی گرافیک محیطی در مناطق تاریخی (مطالعه موردی میراث جهانی چغازنبیل)

چکیده

هویت فردی، اجتماعی و بومی در سراسر جهان و از جمله کشور ما موضوعی است که بیش از پیش نیاز به بحث و بررسی دارد. دست یافتن به راهکارهای عملی برای بررسی این موضوع، مستلزم پژوهش‌های میان رشته‌ای و پرهیز از شعارهای کلیشه‌ای است. احیای هویت اجتماعی و بومی ایرانی تنها با زنده نگه داشتن فرهنگ و تمدن ایرانی امکان پذیر است. از این رو، بازپروری باورها و آداب و رسوم، بستری را فراهم می‌کند که می‌تواند به گروه‌های قومی مختلف انسجام بخشد. از این منظر، یکی از زمینه‌های احیای فرهنگ و هویت اجتماعی، توجه به هویت بصری گرافیک محیطی و مبلمان زیستگاه انسانی است که بازتابی از رفتار و کردار آدمی است. بر همین منوال، توجه بیشتر به فضای بومی مناطق تاریخی، به عنوان نماد فرهنگ و تمدن یک منطقه یا یک ملت، ضروری به نظر می‌رسد. داده‌های این پژوهش با تحلیل منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی گردآوری و سپس بصورت توصیفی تحلیل گردیده است. این پژوهش با نگاهی به مبلمان مناطق تاریخی، به خصوص محوطه چغازنبیل از جنبه‌ی هویتی، بر این امر تأکید داشته است که پژوهش‌هایی از این دست، می‌تواند ضمن بازنمایی فرهنگ و تمدن با شکوه گذشته، باعث ایجاد حس قربت، آشنایی و تداوم تاریخی در ذهن بازدیدکنندگان گردد.

کلید واژه:

هویت
گرافیک محیطی
مناطق تاریخی
چغازنبیل

مقدمه

هویت یابی یکی از دغدغه‌های دیرین بشر است که تاریخی به بلندای زندگانی آدمی دارد. و پاسخی به پرسش‌های بنیادین انسان در زمینه‌ی کیستی و چیستی خویش است که متکی بر دو رکن اساسی شباهت به گروه خودی و تمایز از غیر است. هویت و هویت‌بخشی به دلیل اهمیت آن در زمینه‌ها و رشته‌های متفاوتی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، ادبیات و هنر مورد توجه است و محققین بسیاری به این موضوع پرداخته‌اند.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های هویت اجتماعی را هویت ملی تشکیل می‌دهد که باعث ایجاد حس وحدت ملی و هماهنگی در میان مردم یک کشور می‌شود. مسئله‌ی هویت و به‌خصوص هویت ملی را می‌توان از منظرهای مختلف مورد بررسی قرارداد که یکی از آن‌ها منظر تاریخی است. هویت از دید تاریخی به‌عنوان یک پدیده‌ی سیاسی و اجتماعی دارای قدمتی دیرینه است و توجه به آن از زمان پیدایش «ملت» به معنای امروزی آن شکل گرفته است. تشکیل یک نهاد سیاسی امپراطوری با ایجاد وحدت در میان اقوام و طوایف به منظور پیدایش یکپارچگی سیاسی، نظامی و اقتصادی در یک سرزمین عامل اصلی شکل‌گیری هویت‌های فراقومی و ایجاد یک ملت است. (قنبری برزیان و جعفرزاده‌پور، ۱۳۹۰: ۱)

زمانی که سخن از هویت بخشی به میان می‌آید، زمینه‌های بازتاب‌دهنده‌ی هویت نیز اهمیتی ویژه می‌یابد. یکی از بهترین زمینه‌های نمایش هویت، استفاده از عناصر هویت‌بخش در مکان‌های عمومی شهرهاست. در مراکز تجمع افراد بخش وسیعی از اجزای عمومی مبلمان شهری مستقر است و مردم روزانه ساعت‌ها در ارتباط با آن‌ها هستند. بنابراین وسایل شهری می‌توانند زمینه‌ی مناسب هویت یابی برای بهره‌برداری شهروندان باشند. این بهره‌برداری زمانی که در اماکن تاریخی موضوعیت پیدا می‌کند اهمیت ویژه می‌یابد زیرا توجه بازدیدکنندگان به قسمت‌های تاریخی در اولویت است و نباید تحت‌الشعاع عناصر مبلمان قرار گیرد.

بر اساس آنچه گفته شد در این مقاله تلاش بر آن است که اهمیت هویت بخشی به مبلمان مناطق تاریخی با نگاهی به محوطه باستانی میراث جهانی چغازنبیل مورد مطالعه قرار گیرد.

ضرورت تحقیق:

بر اساس جستجوی نگارندگان در باب گرافیک محیطی و مبلمان چغازنبیل مطلبی به‌رشته تحریر درنیامده از این‌رو این تحقیق از آن جهت ضروری است که گرافیک محیطی و مبلمان مناطق تاریخی و پر اهمیت کشور چون چغازنبیل را مورد بررسی قرار می‌دهد از طرفی استفاده از منابع غنی موجود در آثار تاریخی به‌ویژه آثار تاریخی منطقه چغازنبیل یک ضرورت فرهنگی است. لذا بهره‌مندی از عناصر برگرفته از محیط در مبلمان فضاهای تاریخی منطبق با فرهنگ بومی و ملی که بی‌شک نقشی در تداوم هویت بومی و ملی دارد از اولویت‌های این پژوهش است.

پیشینه تحقیق:

گرافیک محیطی و مبلمان مناطق گردشگری در ایران تاکنون کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است در ادامه به پیشینه برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع پرداخته می‌شود. مهناز شایسته فر (۱۳۸۵) در پژوهشی، با عنوان «کاربرد ارزش‌های تربیتی هنر اسلامی بر عناصر شهری و تأثیر آن بر توسعه‌ی فرهنگی-اجتماعی» به بررسی کاربرد هنر در هویت بخشی

به عناصر شهری پرداخته است. در این پژوهش هنرهای پیشرفته‌ی دوره‌های اسلامی اعم از فلزکاری سلجوقی و معماری عصر صفوی، مورد توجه قرار گرفته و پژوهشگر پیشنهاداتی برای طراحی مبلمان شهری متناسب با عناصر بصری هنر این دو دوره ارائه نموده است. ایشان در تحقیق دیگری با عنوان «کاربرد نقوش انتزاعی فلزکاری دوران سلاجقه در طراحی مبلمان فضای سبز شهری» (۱۳۸۶) نقوش فلزکاری سلجوقیان را به عنوان عناصر هویت بخش ارزیابی کرده و از آن‌ها با فرم انتزاعی در طراحی مبلمان فضای سبز بهره گرفته است. همچنین آقای حسن کریمیان (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «نمادهای فرهنگی در مناظر شهری بیان معنا، حس هویت و آرامش روحی» با بررسی نقش ارتباطی نمادها و نشان‌ها در شهرهای کهن، فلسفه و چگونگی کاربرد این علائم، راهکارهای اجرایی استفاده از آن‌ها را در شهرهای نو بنیاد بیان می‌کند. دکتر مجتبی انصاری و همکاران (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «هویت معماری و ساختار شهری: هویت بخشی به محلات بافت‌های فرسوده شهری با تاکید بر ساماندهی نظام بصری» به معرفی انگاره‌های «هویت» و «حس مکان» پرداخته‌اند و و چگونگی رابطه‌ی عناصر بصری را به عنوان نگاره‌های نظام بصری مطالعه نموده‌اند. جاکوب کرول (Krauel, 2002) در کتاب خود با عنوان «مبلمان شهری»، سعی در طراحی میلمانی دارد که با مکان قرارگیری آن‌ها تناسب داشته باشد، لذا علاوه بر شناخت و در نظرگیری هویت جغرافیایی محل قرارگیری مبلمان و گروه مخاطبان، به مواد سازنده‌ی مورد استفاده در مبلمان نیز توجه نموده است.

روش تحقیق

روش ارائه این تحقیق توصیفی و تحلیلی می‌باشد. که با تحلیل داده‌ها بر اساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای و نیز بهره‌گیری از کتب، مقالات تحقیقی و پایگاه‌های اینترنتی به دست آمده است.

مفاهیم تحقیق

الف. هویت بخشی :

هویت بخشی در این پژوهش یعنی ایجاد تعلق عناصر و تجهیزات محیطی یک اثر به اصل آن اثر. با توجه به اینکه اصل اثر تاریخی متعلق به ایران است بنابراین توجه به هویت در طراحی عناصر محیطی و مبلمان مناطق تاریخی ضمن اینکه هویت آن اثر را نیز بازنمایی می‌کند نشان دهنده هویت ملی نیز است.

ب. گرافیک محیطی و مبلمان:

گرافیک محیطی، در مبلمان شهری و گرافیک شهری مرز مشترکی با یکدیگر دارند و در مجموع هر سه به کیفیت و چگونگی عناصر محیطی شهری مرتبط‌اند. به گفته "ایلوخانی" مجموع عناصر بصری به‌استخدام گرفته شده یا طرد شده از محیط را گرافیک محیطی می‌گویند (ایلوخانی، ۱۳۸۸: ۲). منابع مختلف مبلمان (شهری) را این گونه تعریف کرده‌اند: «عناصری مانند نیمکت‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، علائم، منابع نوری، صندوق‌های پستی، سطل‌های زباله، گل‌جاها و عناصری از این دست که برای راحتی، آسایش و زیبایی بیشتر، ارائه اطلاعات، کنترل حرکت، ایجاد امنیت و رفاه کاربران در فضاهای شهری قرار داده شده‌اند، مبلمان شهری نام دارد (زنگی

آبادی و تبریزی، ۱۳۸۳: ۵ و ۶). اثاثیه، تجهیزات، شهرافزار یا مبلمان شهری، خیابانی یا فضای باز اصطلاحات رایج این تسهیلات و امکانات هستند (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۴: ۲).

نقش اصلی مبلمان شهری در سطح خیابان‌ها و فضاهای شهری ایجاد مکان‌هایی است که زبان ناطق هویت‌انسان و منظر شهری مطلوب باشد. مبلمان شهری مثل هر عنصر دیگری در سیمای شهر تأثیرگذار است و باید در این حوزه با طراحی و برنامه ریزی‌های دقیق، متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم مردم حرکت کرد (موسوی، ۱۳۹۳: ۱).

در بررسی سیر این مجموعه و سابقه تلاش‌های پیشین، آنچه که قابل ذکر است، ارتباط تنگاتنگ تاریخی و تفکیک‌ناپذیر این عناصر با خاستگاه خود است. تأثیرات مستقیم و مشخص هر شهری بر مجموعه عناصر و فضاهایش بر کسی پوشیده نیست (مرتضایی، ۱۳۸۱: ۳۳). در طراحی مبلمان شهری باید عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی در نظر گرفته شود، به صورتی که «طراحی با محیط و برای محیط باشد» (قنبری، ۱۳۸۹: ۵۵). مکان‌یابی محل استقرار مبلمان، توالی و تواتر چیدمان آن نیز در کیفیت بصری فضا تأثیر مثبتی می‌گذارد.

بنابراین لازم است مبلمان اماکن تاریخی در رابطه با نیاز گردشگران (داخلی و خارجی) طراحی شوند. هر مکان نیازمند تجهیزات مختص خود بوده و مطالعه و طراحی تجهیزات هر مکان بسته به کاربری آن مکان متفاوت است. در اماکن تاریخی و گردشگری وجود نشسته‌گاه یا نیمکت و صندلی، سطل زباله، منابع نوری، تابلوهای اطلاع‌رسان، نرده و تیرک و غرفه‌های خدماتی جزو عناصر ضروری مبلمان به حساب می‌آیند. در طراحی مبلمان و وسایل خدماتی در کنار رفع نیازهای مادی گروه‌های مختلف استفاده کننده بعد زیباشناسانه آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد و این زیبایی بیش از هر چیز حاصل هماهنگی، وحدت و تنوع، تکرار شوندگی و انعطاف‌پذیری عناصر دخیل در طراحی شهری است.

تأثیر گرافیک محیطی و مبلمان شهری بر کیفیت محیط‌های گردشگری

فضاهای گردشگری، فضاهایی هستند که در آن‌ها مناسبات و رفتارهای آزادانه و دلخواه افراد مانند: گفتگو، قدم‌زدن، تجربه مشترک و هم‌حسی فضایی شکل می‌گیرد. علاوه بر این در این مکان‌ها بحث و مناظره، برگزاری تجمعات، سخنرانی‌ها و مراسم‌های مشابه که در نهایت به ایجاد همبستگی و علائق مشترک انسانی می‌انجامد، نیز فراهم می‌شود. در گذشته اکثر مردم در بستر فرهنگی واحد و مستقلی به سر می‌بردند ولی در حال حاضر عصری شروع شده که در آن همه ما به دنیای واقعیت‌های متنوع و متکثر عادت می‌کنیم. همه ما در حال خارج شدن از حصارهای امنیتی قبایل، سنت‌ها، ادیان و جهان بینی‌های خود و وارد شدن به تمدن جهانی هستیم (قبادیان، ۱۳۸۱: ۹۳).

در طراحی عناصر مکان تاریخی مؤلفه‌های متعددی باید در نظر گرفته شود مبلمان یک مکان تاریخی ممکن است برای جهانگردان مطبوع ولی برای افراد محلی ناراحت کننده باشد یا برعکس؛ بنابراین در تجهیز این فضاها، باید تنوع را در نظر داشت و برنامه‌ریز باید عرصه‌های متداخل، کاربری‌های متغیر و قانون‌مندی‌های انعطاف‌پذیری را مورد توجه قرار دهد (لینچ، ۱۳۷۶: ۲۰۵)، بدیهی است که رعایت این موضوع تأثیر بسیار زیادی بر کیفیت فضاهای گردشگری خواهد داشت. از طرف دیگر تقلیدهای افراطی و همسان در محیط‌های گردشگری شهری به وفور به چشم می‌خورد به گونه‌ای که اغلب تفاوت محسوسی میان

مبلمان و گرافیک محیطی شهری و منطقه گردشگری دیده نمی‌شود. در حالی که از دیدگاه روانشناختی تنها فضایی برای انسان مطلوب و به یادماندنی است که ذهن بتواند آن را از سایر فضاها به خاطر ویژگی‌های خاصش، تمیز دهد، از نظر برنامه‌ریزان و طراحان انتخاب و طراحی مناسب مبلمان شهری، حفظ هویت مکان و نمود بیشتر آن را ممکن می‌سازد و رعایت این اصل در بالا بردن کیفیت مناطق گردشگری تاریخی و سنتی بسیار مؤثر است.

در نهایت فضاهای گردشگری شهری تیلور کالبدی سطح معینی از اعتلای فرهنگی، اجتماعی و مناسبات انسانی هستند که با رسمیت دادن به آنها و ایجاد مدیریتی ویژه برای طراحی، احداث و نگهداری عناصر و مبلمان آنها، ضمن تقویت این عرصه عمومی و بالا بردن کیفیت آن، زمینه‌های حضور و مشارکت آزادانه مردمی در تداوم حیات و چگونگی اداره و توسعه این فضاها تحقق خواهد یافت (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۴: ۵۰).

بررسی گرافیک محیطی و مبلمان منطقه چغازنبیل

محوطه میراث جهانی چغازنبیل به عنوان محیطی گردشگری و توریستی مهم در ایران شناخته می‌شود، که باید با توجه به اهمیتش، به مبلمان آن نگاهی ویژه داشت. برای بررسی مبلمان این منطقه ابتدا باید به معرفی آن پرداخت.

چغازنبیل و سازه‌های آن که در زمان عیلامیان ایجاد شده به‌عنوان شهری مهم قلمداد می‌شده، در مورد تاریخ دقیق پیدایش و نیز نحوه شکل‌گیری تمدن عیلامی اطلاع زیادی در دست نیست؛ تنها می‌دانیم که «از اوایل هزاره چهارم ق.م. در دشت سوزیان که امتداد طبیعی دشت بین‌النهرین می‌باشد، زندگی شهرنشینی آغاز گردیده است» (آمیه، ۱۳۸۴: ۲). عیلامی‌ها اولین دولت مستقل تشکیل شده در ایران هستند و تاریخ عیلام، شروع تاریخ ایران است. تمدن عیلام منطقه وسیعی را در بر می‌گرفته و از یک طرف با تمدن فلات ایران و از طرفی با تمدن بین‌النهرین در ارتباط بود. بدین معنی که از مغرب به دجله، از مشرق به قسمتی از فارس، از شمال به کوه‌های بختیاری، و از جنوب به خلیج فارس تا بوشهر محدود می‌شده، و در دوره اوج عظمت، از سمت مغرب به بابل، و از مشرق به اصفهان می‌رسیده است. «جغرافی دانان قدیم یونان و روم، مانند سترابون، ایالتی از عیلام را که شهر شوش در آن واقع بوده، به مناسبت اهمیت این شهر سوزیان یا سوزیانان خوانده‌اند» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۶۱). چغازنبیل که در نزدیکی شهر شوش قرار دارد، نیایشگاهی باستانی و بخش باقی‌مانده از شهر دوراونتاش است که در زمان عیلامی‌ها ساخته شده است. این نیایشگاه توسط (اونتتش گال) پادشاه بزرگ ایلام در قرن ۱۳ پیش از میلاد، ساخته شده است و به خدایان اینشوشینک (خدای حامی شوش) و نپیرش (خدای بزرگ) اهدا شده است.

مکان‌یابی و پراکنش فضایی مبلمان شهری در محدوده مورد مطالعه

پراکنش فضایی مناسب و مکان‌یابی صحیح از عوامل بسیار مؤثر در کارایی عناصر شهری از جمله مبلمان آن می‌باشد؛ رعایت اصول و استانداردهای لازم در این زمینه، امکان پایداری، استفاده بهینه و رضایت‌مندی استفاده‌کنندگان از مبلمان را تا حد قابل قبول بالا خواهد برد. بنابراین در این قسمت به بررسی این عوامل در محدوده مورد مطالعه پرداخته می‌شود. از لحاظ مکان‌یابی مبلمان، کل محدوده مورد مطالعه از مشکلات قابل ذکر و مشابهی

برخوردار می‌باشد. یکی از این مشکلات در سطح محدوده، لحاظ نکردن عوامل طبیعی در انتخاب مکان نصب مبلمان است.

مشکل بعدی مکان قرارگیری تابلوهای هدایت‌گر می‌باشد که عموماً دید مناسبی نداشته و در اواسط مسیرها قرار گرفته‌اند. برعکس تابلوهای هدایت‌گر، تابلوهای اطلاع‌رسان دارای پراکنش مناسب می‌باشد. پراکنش پرژکتورهای منطقه نیز به درستی انجام نپذیرفته است و در بعضی از مناطق با فاصله کم و در نقاطی دیگر با فاصله زیاد از هم قرار گرفته‌اند که این موضوع باعث عدم تقسیم صحیح نور در منطقه گردیده است.

با توجه به اینکه چغازنبیل در فهرست میراث جهانی قرار دارد و نیز اهمیت ویژه آن، اما تجهیزات مبلمان و محیط آن علاوه بر ناکافی بودن، معایب متعددی نیز دارند. هرچند در سالهای اخیر تلاش‌هایی برای ساخت مبلمان و غرفه‌های خدماتی این منطقه انجام گرفته‌است، لیکن همچنان نیازمند توجه بیشتر در طراحی و رفع معایب می‌باشد.

مشکل عمده مبلمان چغازنبیل عدم توجه به سابقه تاریخی و هویت این بناست. تلاش‌های انجام گرفته در این خصوص ناکافی و بدون آگاهی لازم بوده‌است. از عمده معایب مبلمان این منطقه ناکافی بودن تعداد مبلمان است، به گونه‌ای که تعداد نیمکت‌ها و سطل‌های زباله که باید با توجه به محدوده و تعداد بازدیدکنندگان محاسبه گردد بسیار کم است.

سطل‌های زباله این منطقه به دو دسته سطل‌های پلاستیکی و سطل‌های چوبی تقسیم می‌شود که سطل‌های پلاستیکی با رنگ زرد نه تنها با محیط و سطل‌های دیگر هماهنگی ندارد، بلکه باعث ایجاد اغتشاش بصری و نازیبایی محیط شده‌است. علاوه بر این پلاستیک تشکیل‌دهنده این سطل‌ها نیز متناسب با منطقه و مصالح بومی نبوده و در اثر تابش آفتاب دچار فرسایش نیز می‌شود (تصویر ۱).



تصویر ۱: سطل‌های زباله پلاستیکی و چوبی، (منبع مرکز مطالعات چغازنبیل)

سطل‌های چوبی به نسبت سطل‌های پلاستیکی نمای بهتری دارند و با غرفه‌های موجود در منطقه هماهنگی بیشتری پیدا کرده‌است، اما با هویت منطقه سازگاری مناسبی ندارد و بازتابی از منطقه‌ی چغازنبیل در آن دیده نمی‌شود. از نظر ارتفاعی زباله در آن‌ها هر دو نوع سطل در حد متوسط قرار دارند زیرا بدون درپوش بوده و زباله در آن‌ها نمایان است.

نورپردازی منطقه در دو قسمت بنا و محوطه انجام شده است. تپه با پرژکتورهایی روشن شده که مناسبتر از تیرهای روشنایی است که برای محوطه به کار رفته است. تیرهای روشنایی پرژوکتوری محوطه متناسب با هویت بنای باستانی نیست و مانند نمونه‌های موجود در سایر اماکن است. و تنظیمات آن برای روشنایی منطقه نیز مناسب نیست (تصویر ۲).

بیمه

دوفصل نامه، دانشکده هنر؛ دانشگاه شهید چمران اهواز
اهمیت هویت بخشی گرافیک محیطی در مناطق تاریخی
دوره چهارم، شماره هشتم - سال ۹۴

۷



تصویر ۲: پرژکتورهای نورپردازی محیط، (منبع نگارنده)

تابلوهای راهنمای این منطقه به چند دسته تقسیم می گردند که عمده آن ها تابلوهای اطلاع رسانی هدایت گر هستند. جنس این تابلوها عموماً از فلز است که با رنگ کرم زمینه در مقابل قسمت های مختلف بنا، نقش اطلاع رسانی خود را انجام می دهند. در قسمت رویی بعضی از آن ها شیشه های محافظ قرار داده شده و بعضی دیگر فاقد این شیشه ها هستند که این موضوع باعث تسریع روند فرسایش رنگ این تابلوها در اثر بارش باران و تماس با محیط اطراف است. بیشتر شیشه های محافظ تابلوها با گذشت زمان و در تماس با عوامل طبیعی دچار فرسایش و خرابی شده اند. نوشته ها و رنگ روی تابلوها اغلب مخدوش شده و در بعضی از قسمت های آن خصوصاً در تابلوهای بدون شیشه به دلیل کمرنگ شدن و یا پاک شدن نوشته ها خوانایی کم شده است. علاوه بر آن به دلیل جنس فلزی تابلوها و پایه ی آنها در تماس با رطوبت دچار اکسایش گردیده است (تصویر ۳).



تصویر ۳: تابلوهای اطلاع رسانی منطقه چغازنبیل، (منبع نگارنده)

تابلوهای هدایت گر نیز دارای مشکل فرسایش می‌باشند و به دلیل نداشتن محافظ در معرض خرابی قرار دارند و طراحی آن‌ها نیز متناسب با محیط و هویت منطقه نیست (تصویر ۴).

نرده‌ها و حصارهای اطراف قسمت‌های تاریخی که برای جداسازی آن‌ها از محل عبور و مرور بازدیدکنندگان قرار گرفته و به نوعی محافظ این بناست، طراحی مناسبی ندارد، به علاوه تعدادی از میله‌های رابط سیم‌های حصار، از حالت عمودی خارج شده و فرم نامناسبی پیدا کرده است (تصویر ۵).

تیرک‌های نشان دهنده محدوده عبور خودروها در منطقه نیز کاملاً نامناسب بوده و صرفاً نمونه‌ای از تیرک‌های موقت موجود در بازار است که هیچ‌گونه طراحی خاصی ندارند. این تیرک‌ها از پلاستیک بوده و به رنگ نارنجی است که فاقد هماهنگی با محیط است و استحکام لازم را در مقابل ضربه، باد، باران و گرما ندارد (تصویر ۶).

با توجه به موارد گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که مبلمان این منطقه نه تنها از لحاظ تعداد کافی نبوده بلکه دارای پراکنش فضایی و مکان‌یابی مناسب نیز نیست و از همه مهم‌تر توجه بسیار کمی به هویت تاریخی - جغرافیایی منطقه و انعکاس فرهنگ ایرانی در مبلمان شده است. با در نظر گرفتن این مشکلات، یافت راه‌حل مناسب برای رفع معایب گفته شده ضروری است.

نتیجه

با توجه به توضیحات ارائه شده باید اشاره کرد که مناطق تاریخی به عنوان نمادی از گذشته یک ملت باید، بازتاب دهنده فرهنگ و تمدن آن بوده است و بازنمای بخشی از هویت بومی و تاریخی آن کشور باشد. توجه به این بعد از هویت ملی و نمایش آن در جامعه امری ضروری تلقی می‌گردد. زیرا اجزای زندگی شهری می‌توانند به عنوان آینه‌ای تمام نما به عنوان بازتاب دهنده هویت و فرهنگ جامعه عمل کنند. حال اگر این عناصر در اماکن تاریخی قرار گیرند و با هویت تاریخی آن هماهنگ

گردند، می‌توانند به بهترین وجه ممکن در هماهنگی با محیط و نمایش هویت و حس مکان عمل کرده و باعث ایجاد نمای مطلوب بصری گردند. این موضوع باعث ایجاد فضایی مناسب برای گردشگران شده و تصویری ماندگار در ذهن آن‌ها از محیط به وجود می‌آورد. علاوه بر این



تصویر ۴: تابلوی هدایت گر، (منبع نگارنده)



تصویر ۵: حصارکشی اطراف محدوده تاریخی چغازنبیل، (منبع نگارنده)



تصویر ۶: تیرک‌های ورودی منطقه تاریخی چغازنبیل، (منبع مرکز مطالعات چغازنبیل)

می تواند رابطی مناسب در درک بهتر گردشگران از فضا و گذشته‌ی تاریخی آن گردد. منطقه چغازنبیل به عنوان اثری مهم و تاریخی و ایرانی، با پیشینه‌ای درخشان دارای هویت تاریخی منحصر به فرد است که می توان آن را در مبلمان و گرافیک محیطی این محوطه بازتاب داد. گمان می شود از کارهای انجام شده تا کنون نتیجه‌ی مطلوبی حاصل نشده است و مبلمان این مجموعه متناسب با هویت منطقه نیست و نیاز به توجه بیشتر در این زمینه دارد. با توجه مطالب گفته شده می توان راهکارهای زیر را جهت هویت بخشی به مبلمان منطقه تاریخی چغازنبیل پیشنهاد ارائه داد:

- بررسی قوانین جهانی در ارتباط با طراحی مبلمان در مناطق تاریخی.
- به کارگیری عناصر هویت بخش در طراحی مبلمان مناطق تاریخی.
- توجه به زیبایی و هماهنگی ظاهری مبلمان طراحی شده با محوطه تاریخی.

منابع

- آمیه، پیر (۱۳۸۴)، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- انصاری، مجتبی و صادقی، علیرضا و احمدی، فریال و حقیقت بین، مهدی (۱۳۸۸)، هویت معماری و ساختار شهری: هویت بخشی به محلات بافت های فرسوده شهری با تأکید بر ساماندهی نظام بصری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ایلوخوانی، مسعود (۱۳۸۸)، گرافیک محیطی، تهران: نشر فاطمی
- پوپ، آرتر و اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، جلد اول، ترجمه جمعی از نویسندگان، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- زنگی آبادی، علی و تبریزی، نازنین (۱۳۸۴)، تحلیل فضایی مبلمان شهری در میدان امام (نقش جهان) اصفهان، ماهنامه پیام سبز.
- زنگی آبادی، علی و تبریزی، نازنین (۱۳۸۳)، تحلیل فضایی مبلمان شهری محدوده گردشگری بخش مرکزی شهر اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۵)، تطبیق و کاربرد آرایه ها و عناصر تزئینی اسلامی - ایرانی در مبلمان شهری جهت هویت بخشیدن به فرهنگ و تمدن اسلامی، پروژه تحقیقاتی، سازمان زیباسازی شهر تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۶)، کاربرد نقوش انتزاعی فلزکاری دوران سلاجقه در طراحی مبلمان فضای سبز شهری، دوفصل نامه مطالعات هنر اسلامی، شماره هفتم، تهران.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۱)، مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- قنبری، ابوالفضل (۱۳۸۹)، استانداردهای مبلمان شهری، انتشارات مهر ایمان، تبریز.
- قنبری برزیان، علی و جعفرزاده پور، فروزنده (۱۳۹۰)، قدرت و هویت ملی در میان ایرانیان، فصلنامه مطالعات ملی.
- کریمیان، حسن (۱۳۸۹)، نمادهای فرهنگی در مناظر شهری، بیان معنا، حس هویت و آرامش روحی، پژوهش جغرافیایی انسانی.
- لینچ، کوین (۱۳۷۶)، تئوری شکل خوب شهر، مترجم سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مرتضایی، سیدرضا (۱۳۸۱)، رهیافت هایی در طراحی مبلمان شهری، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، تهران.
- موسوی، ندا (۱۳۹۳)، نقش المان های شهری در هویت بخشی به فضاهای شهری، کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.